

آمین هایل شاهسون بغداد

گردآوری و نوشته: یعقوب علی دارابی

کتاب



بلاغ

آئین ہائیل شاہسون بغداد

گردآوری و نوشتہ: یعقوبعلی دارابی
ویراستار: منصور جام شیر

سرشناسه: دارابی، یعقوبعلی، ۱۳۳۹-
عنوان و نام پدیدآور: آیین‌های ایل شاهسون بغدادی /
گردآوری و نوشته یعقوبعلی دارابی؛ ویراستار منصور جام‌شیر.
مشخصات نشر: تهران: نگارینه، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۲۴۴ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱ م. س.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۰-۰۹۳-۸-۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: شاهسون بغدادی
موضوع: (Shahsevan Baghdadi) (Turkic people)
موضوع: ایلات و عشایر -- ایران
موضوع: Nomads -- Iran
شناسه افزوده: جام‌شیر، منصور، ۱۳۳۹-، ویراستار
رده‌بندی کنگره: DSR ۷۲
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۹۸۱۷۲
شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۰۳۶۱۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



نام کتاب: آیین‌های ایل شاهسون بغدادی
گردآوری و نوشته: یعقوبعلی دارابی
ویراستار: منصور جام‌شیر
چاپ نخست: ۱۴۰۰ تهران
شمارگان: ۵۰۰ جلد

تهران، میدان هفت تیر، کوی نظامی، شماره ۲۵، کدپستی ۱۵۷۵۶۳۵۹۱۱
تلفن: ۸۸۳۱۰۰۷۱-۸۸۳۱۵۰۵۱-۸۸۳۱۵۷۸۸-۸۸۸۲۸۷۸۸
دورنگار: ۸۸۳۰۷۲۷۸-۸۸۳۰۷۲۷۸-۸۸۳۰۷۲۷۸
www.negarineh.com

غیر از اقتباس برای مستندنویسی با ذکر منبع،
هرگونه برداشت و بهره‌برداری از نوشته‌های کتاب،
بدون اجازه رسمی و مکتوب نشر نگارینه ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

ISBN: 978-964-230-093-8



9 789642 300938

قیمت: ۷۹۰۰۰ تومان

سخن ناشر

فرهنگ مجموعه به هم پیوسته‌ای از شیوه‌های تفکر، احساس و عمل است که به دوشیوه عینی و نمادین به کارگرفته می‌شود. فرهنگ به عنوان دستاورد معرفتی جامعه‌های انسانی عام است؛ اما هر گروه اجتماعی دارای وابستگی‌های خویشاوندی، شیوه اقتصادی، قانون‌ها، آیین‌ها، زبان، ادبیات و هنر ویژه خود است.

تمام پدیده‌های اجتماعی بنا بر ضرورت زمان و مکان مطابق نیازها، اختراع‌ها، تجربه‌ها و مهاجرت‌ها... دستخوش تغییر و تحول می‌شوند، اما تغییر و دگرسانی در زمینه‌های فرهنگی بسیار آهسته و آرام است.

هر منطقه می‌تواند فرهنگ متفاوتی با دیگر منطقه‌های هم‌جوار داشته باشد. فرهنگ، راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان و دربرگیرنده سازگاری با نیازهای غریزی، فطری و اقتصادی یا محیط جغرافیایی است. هرگاه به توصیف فرهنگی می‌پردازیم،

خوب است به محیط جغرافیایی آن فرهنگ، بنیاد اقتصادی، ساخت اجتماعی و سیاسی مردمی آن توجه داشت. عناصر نمادین فرهنگ، زبان، ادبیات، آیین‌ها، آداب، سنت‌ها، رسم‌ها، بازی‌ها، موسیقی، رقص‌ها، پوشش و صنایع دستی است. البته باید توجه داشت در زندگی کوچ‌رو حفظ سند و مدرک دشوار است و این بار فرهنگی را نسل‌های پیشین سینه به سینه انتقال داده‌اند.

زبان و گویش به عنوان یکی از عنصرهای مهم فرهنگی است. انسانیت با کلام آغاز می‌شود، یعنی زبان و سخن‌گویی با تعقل آغاز شده است و راه را برای پیشرفت هموار کرده است که پایانی برای آن قابل تصور نیست. زبان تنها وسیله انتقال سنت‌ها، آداب و رسم‌ها نیست بلکه خود نیز در آن چه انتقال می‌دهد مؤثر است. گوناگونی شیوه زندگی، فرهنگ‌ها و زبان‌های متفاوتی را موجب شده و مفاهیم واژه‌ها را پیرو قراردادهای اجتماعی کرده است. از این‌رو می‌توان گفت هر فکری را به هر زبانی می‌توان بیان کرد.

البته عامل سیاسی مثل هجوم قومی بر قوم دیگر و پذیرفتن زبان فاتح و یا تجدید حیات زبان مرده یک ملت نیز در ساختار زبانی نقش اساسی دارد.

تحول‌های اقتصادی، انقلاب اجتماعی و دگرگونی‌های نظام معیشتی، آداب، رسم‌ها و شیوه زندگی مردم را به وجود

آورده یا دچار تغییر کرده است که سبب پیدایش فرهنگ‌های مختلف شده است.

فرهنگ ملی مجموعه‌ای از فرهنگ‌های قومی با مرزهای سیاسی، مذهبی و اجتماعی است. فرهنگ ملی از ویژگی‌های مشترک فرهنگ‌ها، در محدوده جغرافیایی خاص که دارای گذشته تاریخی، نحوه معیشت و آیین‌های مذهبی و اجتماعی مشترک هستند به وجود می‌آید.

برای درک بهتر فرهنگ عشایر باید بدانیم عشایر توانایی سازگاری با شرایط محیطی را دارند. شیوه زیست، مسکن، زبان، موسیقی، غذا، لباس، آثار و صنایع دستی به همراه آیین‌ها، جشن‌ها از مهم‌ترین ویژگی فرهنگی آن‌هاست که به عنوان نمادی از زندگی سنتی بشر است.

ایل واژه‌ای مغولی ترکی به معنای دوست، یار، همراه و هم‌قبیله است. واژه ایلات (جمع ایل) برای نخستین بار در زبان فارسی در زمان ایلخانان به کار رفت. ایل ساختار اجتماعی است که از اتحاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که چند بخش و طایفه با فرهنگ و تاریخ مشترک است. بخش مجموعه‌ای از طایفه‌هاست که گویش و فرهنگ مشترکی دارند. طایفه متداول‌ترین رده جامعه عشایری و متشکل از چند تیره است. جماعتی از عشایر که با هم خویشاوندی دارند و در چندین نسل نسبی و سببی به نیای مشترکی می‌رسند تشکیل طایفه را می‌دهند. در ساختار ایلی سرپرستی طایفه به

عهدہ ریش سفید یا کدخدا بود که توسط اعضای طایفه انتخاب و به وسیله رییس، سرکرده، ایلخان، ایل بیگ منصوب می‌شد و هم‌آهنگ‌کننده سیاست ایل در طایفه بود.

ایل با هویت ایرانی پیوند ناگسستنی داشته است و آنان در حفظ تمامیت ایران، یا خود دولت تشکیل می‌دادند یا در مواقع نیاز دولت‌ها را یاری می‌کردند. از زمان مادها و فتح اسکندر تا زمان صفویه، عشایر برای کشور ایران نیروی قوی، مخلص و وفادار بوده‌اند... در گذشته، شاهان همیشه به دنبال این بودند که عشایر را نسبت به سرنوشت کشور حساس کنند تا هنگام جنگ از این قدرت استفاده کنند. تنها با همین قدرت بود که حدود ۶۰۰ سال تاج و تخت هخامنشیان در امان ماند. داریوش بزرگ، رییس ایل‌ها را درگارد ویژه خود مدیریت می‌کرد. سرکرده‌های ایلات از خود به حدی شجاعت، خلوص و وفاداری نشان می‌دادند که شاهان از هیچ فرصتی برای نزدیک‌تر کردن خود به آنان و برقراری اتحاد فروگذاری نمی‌کردند؛ زیرا عشایر سپاه مهمی برای دفاع از کشور به شمار می‌رفت... به لطف همکاری ایل شاهسون بغدادی بود که صفویه توانست به قدرت برسد و نادرشاه هندوستان را فتح کرد و کریم خان زند... که خود از ایل زند برخاسته بود توانست با همیاری ایل شاهسون بغدادی ایران را دوباره یک پارچه کند... در دوره زند ایل شاهسون در سرگوب اشرا برای یک پارچه ماندن ایران تا جایی پیش رفت که سرکرده خود علی خان قاسملورا از

دست داد... آقامحمدخان، بنیانگذار سلسله قاجار، خود از ایلات ترک بود و همیشه سعی می‌کرد همه ایلات ایران را با هم متحد کند... او و برادرزاده اش فتحعلی شاه از ایل شاهسون بغدادی در کشورگشایی استفاده کردند... در انقلاب مشروطه ایران نیز ایل شاهسون بغدادی با فرهنگ ایران دوستی با مشروطه خواهان همراه و هم‌دل شد اما این همراهی تاوان سختی داشت چراکه رئیس و سرکرده ایل علی اکبرخان منصورنظام را با مسمومیت قهوه قجری از دست داد... در حال حاضر هم فرهیختگان ایل که با این فرهنگ غنی رشد کرده‌اند در شغل‌های کلیدی با بهره‌گیری از دانش و تجربه به این مرزوبوم خدمت می‌کنند... نباید فراموش کرد عشایر حکم استخوان‌بندی ایران را داشته و دارند و این ممکن نبود مگر به استناد فرهنگ عشایر.

از ویژگی‌های فرهنگی عشایر، حضور زنان در عرصه کار، مشورت، شادی، عزا، مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی همراه و هم‌پای مردان است. مردان ایل در همراهی زنان از جمله در آداب نمادین نشان می‌دهند که از نقش موثر آنان در فعالیت‌ها آگاه و برای آنان ارزش فراوانی قائلند.

آداب و آیین‌های ایل هرکدام در تقویت توانایی افراد آن در مناسبات اجتماعی، اقتصادی و نظامی نقش داشته است. چوب‌بازی و نشانه‌گیری با فلاخن (سپان‌داشی)، نشانه وجود مردان دلیری است که در حفاظت از قلمرو ایل و کشور، مصمم

و توانایند. بی‌شک موسیقی و ترانه‌های محلی عشایر بخشی از گوهرگران بهای فرهنگ بومی این سرزمین است که نشان از مردمی صبور، سلحشور، سخت‌کوش و دوستدار وطن دارد. کنکاش در هر بخش از فرهنگ ایل نشان می‌دهد این فرهنگ ریشه در تاریخ باستانی دارد.

همان‌گونه که بیان شد زبان و گویش از عنصرهای مهم فرهنگ است و در حفظ و انتقال آن باید کوشید. در کنار زبان و گویش، آیین‌ها، آداب، بازی‌ها از نمودهای اجتماعی و فرهنگی هراجماع به حساب می‌آیند و در حقیقت ویژگی اصلی بازی، آموزش و سازگاری با نظام و محیط طبیعی و اجتماعی پیرامونی است.

انسان‌ها از تولد، غذا خوردن، حرف زدن، لباس پوشیدن، شناخت ارزش و ضد ارزش را ناخودآگاه از خانواده و جامعه پیرامون خود فرا می‌گیرند که به نوعی فرهنگ آن‌هاست، اما می‌توانند بر اساس ویژگی‌های جسمانی، فکری، روانی، علمی و اجتماعی که دارند یا به دست می‌آورند، در چارچوب آن چه آموخته‌اند باقی‌نمانند و پا فراتر نهند.

دنیا به سمتی پیش می‌رود که در این راه به هیچ رسم و سنت دست و پاگیری رحم نخواهد کرد. از طرفی هم ما با سنت‌ها، آداب و رسوم آمیخته‌ایم و واقعیت این است که هر ملتی به تاریخ، سنت‌ها و رسم‌های خود زنده است. پس نباید فرهنگ و سنت را فراموش کرد بلکه بهترین راه حفظ، ریشه‌یابی

آن‌هاست. اگر قرار است رسمی را به جا بیاوریم ضمن شناخت، شاخ و برگ‌های اضافه آن را کنار بزنیم. یعنی برای زندگی امروز باید با آن معامله کرد و در این داد و ستد گزینه‌های خوب آن را با زندگی نوین ترکیب و رسم مناسب و پذیرفتنی را گسترش داد. در روزگار بحران هویت یکی از راه‌های حفظ هنجارها، بازگشت به آیین‌ها و آداب و رسم‌ها با ویژگی که گفته شد، است. پیوند دیر پای انسان با فرهنگ پیشین، فرصتی برای احساس هویت است. در دنیای قدیم گرچه حجم اطلاعات مثل امروز فراوان نبود اما آن چه تولید فرهنگی نامیده می‌شد، سازنده آداب و رسم‌ها و تمدن فرهنگی جامعه بود و ملت‌های گوناگون به دلیل داشتن فرهنگ‌های برتر و دیرپا می‌توانستند به یک دیگر تفاعل کنند. انتقال فرهنگی ایل شاهسون بغدادی یعنی انتقال تاریخ، رسم‌ها، آداب و سنت‌ها به شکل نوشته با توجه به وسعت فرهنگی آن تا کنون اندک صورت گرفته است.

انتشارات نگارینه به فراخور توان در بازسازی فرهنگی ایل شاهسون بغدادی با چاپ و نشر کتاب‌هایی در این زمینه هر چند اندک تلاش کرده است. کتاب "تاریخ شفاهی ایل شاهسون بغدادی به روایت فتح السلطان" و کتاب "آیین‌های ایل شاهسون بغدادی" از این دست است.

این کتاب سعی دارد شماری از آیین‌ها، رسم‌ها، آداب، سنت‌ها و بازی‌ها و شیوه‌های امرار معاش ایل شاهسون بغدادی را

برای نسل جدید واگو کنند تا با بخشی از فرهنگ غنی گذشته خود آشنا شده و احساس هویت فرهنگی کنند و از طرفی دیگر انگیزه‌ای برای پژوهش و ثبت ناگفته‌های فرهنگ ایل نزد فرهیختگان باشد. البته ناگفته نماند که نسل جدید ایل شاهسون بغدادی، در آیین‌ها و جشن‌ها هنوز اجرای برخی از رسم‌ها و سنت‌ها را که از پدران و مادران خود دیده یا شنیده‌اند را با افتخار برگزار می‌کنند و این نشانه‌ای از علاقه مندی آنان به فرهنگ اصیل خود است. در بازگویی آیین‌های ایل شاهسون بغدادی امکان دارد برخی آداب و سنت‌ها به دلیل عدم آگاهی نیامده باشد و یا بروز اشتباه در بازگویی برخی آیین‌ها هم دور از ذهن نیست که با کمک و همراهی خوانندگان فرهیخته در ویرایش‌های بعدی اصلاح و اضافه خواهد شد.

۱۵	معرفی ایل شاهسون بغدادی در گذر تاریخ
۲۱	سازمان اجتماعی ایل شاهسون بغدادی
۲۵	جدول نام بخش‌ها، طایفه‌ها و تیره‌های ایل شاهسون بغدادی
۳۵	آداب ایل شاهسون بغدادی
۳۵	۱-۱ عید نوروز
۳۷	۱-۲ چهارشنبه سوری
۴۰	۱-۳ سیزده به در
۴۱	۱-۴ شب چله
۴۵	۱-۵ پشم‌چینی بره (قوزوقیرخماق)
۴۷	۱-۶ شیردوشی
۴۸	۱-۷ ذبح بز قصر
۵۱	۱-۸ شب نشینی
۵۲	۱-۹ پنیر در خیک نهادن (پتیر با سماخ)
۵۳	۱-۱۰ شیرواره

- ۵۴ ۱-۱۱ رها کردن قوچ‌ها و تکه‌ها در گله میش‌ها و بزها
- ۵۵ ۱-۱۲ چراندن گله در فصل پاییز (یاتی)
- ۵۹ آیین‌های دینی و سوگواری ایل شاهسون بغدادی
- ۵۹ ۲-۱ ماه رمضان و عید فطر
- ۶۲ ۲-۲ عید قربان و عید غدیر
- ۶۴ ۲-۳ ماه محرم و عزاداری امام حسین بن علی علیه السلام
- ۶۷ آیین‌های ازدواج ایل شاهسون بغدادی
- ۷۰ ۳-۱ خواستگاری
- ۷۰ ۳-۲ شیرینی خوران
- ۷۱ ۳-۳ بازدید داماد پس از شیرینی خوران (قئین ننه گورمی)
- ۷۱ ۳-۴ تعیین شیربها، مهریه و زمان برگزاری عروسی
- ۷۳ ۳-۴ حنا بندان
- ۷۵ ۳-۵ اهدای چشم‌روشنی در عروسی (تویانه)
- ۷۷ شغل‌های ایل شاهسون بغدادی
- ۷۷ ۴-۱ گله‌داری
- ۷۸ ۴-۲ شترداری
- ۷۸ ۴-۳ ساریانی
- ۸۱ ۴-۴ چوبداری

- ۸۱ ۴-۵ چوپانی
- ۸۲ ۴-۶ تعلیف شتر
- ۸۳ بازی های ایل شاهسون بغدادی
- ۸۳ ۵-۱ تخم مرغ بازی (مورتا اویناماخ)
- ۸۴ ۵-۲ ترنا بازی (نزد مردمان آذربایجان قیچ گُتردی)
- ۸۷ ۵-۳ بازی کلاه قاپی (بورک آپاردی)
- ۸۹ ۵-۴ بازی خرپُشتک (آتیلان قالدی)
- ۹۰ ۵-۵ بازی نوجوانان در شب مهتابی (سورسوموک)
- ۹۰ ۵-۶ بازی یه قل دو قل بچه های شاهسون (دُورد لمه)
- ۹۵ ۵-۷ بازی گل یا پوچ (گول ایناماخ)
- ۹۷ همیاری و تعاون ایل شاهسون بغدادی
- ۹۹ ۶-۱ پشم چینی
- ۱۰۱ ۶-۲ شستن گوسفندان و بره ها برای پشم چینی
- ۱۰۲ ۶-۳ حمل علوفه زمستانی دام از محل تامین تا قشلاق
- ۱۰۲ ۶-۴ قوزو قاتیشیق
- ۱۰۳ ۶-۵ تعاون و همکاری در عروسی و عزا
- ۱۰۴ ۶-۶ آیین تهیه قورمه (قصر گچی آلورماخ)
- ۱۰۴ ۶-۳ شیرواره
- ۱۰۷ ۶-۴ اتحاد و همیاری در مقابله با دزدان و غارتگران

- ۱۰۹ برخی از شاعران، شعرها و افسانه‌های رایج در ایل شاهسون بغدادی
- ۱۰۹ ۷-۱ تیلیم خان
- ۱۱۴ ۷-۲ خسته قاسم
- ۱۲۹ ۷-۳ برخی از شعرهای خسته قاسم
- ۱۴۲ ۷-۴ آشیق غریب و شاه صنم
- ۱۵۱ ۷-۵ اصلی و کرم
- ۱۵۹ ۷-۶ داستان زهره و طاهر
- ۱۶۲ ۷-۷ شاه اسماعیل و گل‌عذار
- ۱۶۷ ۷-۸ ورقه و گلشاه
- ۱۸۹ ۷-۹ بهرام و گل اندام
- ۱۹۲ ۷-۱۰ عباس و گل‌گنز
- ۲۱۱ ۷-۱۱ کوراوغلو
- ۲۲۰ ۷-۱۲ برخی از گونه‌های شعری زبان ترکی
- ۲۴۱ فهرست منابع

معرفی ایل شاهسون بغدادی درگذرتاریخ^۱

ایل شاهسون (شَسُون) از ایل‌های بزرگ ایران است. بنا به روایتی در زمان شاه عباس صفوی از گردآمدن چندین ایل تشکیل شد تا نیرویی در برابر قزلباش‌ها باشد. بنابر دیگر روایت‌ها، ایل شاهسون از ایل‌های مهم و بزرگ آسیای صغیر بوده که زمان شاه عباس به منطقه آذربایجان کوچ نموده و در ایران پراکنده شده‌اند، به گونه‌ای که اکنون فرزندان‌شان در استان‌های تهران، آذربایجان، مرکزی، قزوین، فارس، همدان، خراسان و... هم چنین در کرکوک عراق و مناطقی از ترکیه ساکن هستند.

بر اساس آخرین اطلاعات، جایگاه اصلی ایل پیش از پراکندگی، اطراف کرکوک کنونی، غرب ایران، شمال شرقی عراق و جنوب شرقی ترکیه بوده است. این که از کجا آمده و از چه تاریخ در آن جا مستقر شده‌اند، به طور دقیق معلوم نیست و به بررسی

۱. تاریخ شفاهی ایل شاهسون بغدادی به روایت فتح‌السلطان، تالیف هرمز محیط، ناشرنگارینه، ۱۳۹۲، شابک ۱-۰۱۸-۲۳۰-۹۶۴-۹۷۸ و تاریخ فرهنگی ایل شاهسون بغدادی، تالیف عطاءالله حسنی، ناشر ایل شاهسون بغدادی، ۱۳۸۲،

و پژوهش‌های بیش‌تری نیاز دارد که امید است در آینده با توجه به اسناد و مدارك، توسط پژوهشگران انجام پذیرد. در این روزگار، از قرار معلوم ایل شاهسون در چندین کشور پراکنده شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها ایران، ترکیه، عراق و افغانستان هستند.

از قرایین و شواهد موجود، ایل شاهسون یا جمعیت سازمان یافته‌ای تحت لوای شاهسون از دوران شاه عباس بزرگ به بعد، جزو قشون و لشکریان ایران بوده‌اند و در بخش‌های گوناگون کشور به انجام وظیفه اشتغال داشته‌اند. شماری در آذربایجان، تعدادی در اطراف بغداد و برخی در استان‌های جنوبی ایران حضور داشته‌اند، از قرار این ایل جزو سپاهیان بوده و یکی از وظایف آنان برقراری امنیت منطقه، مرزها و محافظت جان و مال و ناموس مردم بوده است. ماموریت گروهی از ایل شاهسون اطراف بغداد بوده که سیر تحولات تاریخی آنان را به نام ایل شاهسون بغدادی معروف کرده است و سرانجام در استان‌های تهران، مرکزی، قم، همدان، قزوین، زنجان، فارس و... استقرار یافته و ساکن شده‌اند.

به روایت دیگری، شاهسون‌های ایران در زمان شاه عباس ماهیت وجودی یافتند، به علت اختلاف‌هایی که سران قزلباش بایک دیگر داشتند شاه عباس بر آن شد که سپاه جداگانه و مقتدری را تشکیل و بسیاری از امور را به دست سران با کفایت این سپاه بسپارد.

بنا به نوشته‌های تاریخی، ایل بسیار بزرگ شاهسون که ساکن منطقه غرب ایران کنونی، جنوب شرقی ترکیه و شمال شرقی عراق بود توسط شاه عباس به اطراف اردبیل و تبریز کوچانده شد و در تشکیل سپاه جدید ایران به نام شاهسون از این ایل استفاده گردید. به علت پراکندگی شاهسون‌ها در ایران، ترکیه و عراق، چنین مطرح می‌شود که ایل اصلی تقسیم شده است و از هر طایفه شماری در منطقه‌های گوناگون ایران، ترکیه و عراق باقی مانده‌اند که اجزای تفکیک شده، طایفه‌های ایل شاهسون است. برای نمونه طایفه کوسه‌لر در ترکیه کنونی، در ایل شاهسون آذربایجان و ایل شاهسون بغدادی وجود دارد که به احتمال فراوان کوسه‌لر ایل شاهسون بغدادی، جزیی از طایفه بزرگ کوسه‌لر اصلی بوده است، یا طایفه دللر (دلیرلر) که از طایفه‌های بزرگ ایل شاهسون بغدادی است، به احتمال زیاد با دللر ترکیه هم ریشه هستند.

در سپاه شاهسون از تمامی ایل‌ها و عشایر ایران همانند؛ لرها، کردها، بختیاری‌ها، عشایر کهگیلویه و بویراحمد، عشایر بیات و... وجود داشتند. پس از تشکیل سپاه شاهسون در زمان شاه عباس بسیاری از ایل‌های قزلباش نیز به سپاه شاهسون پیوستند و تمامی امور مرزهای ایران تحت حفاظت گروه‌های شاهسون قرار گرفت. قطعه شمال غربی به مرکزیت تبریز، از جمله منطقه‌های بسیار مهم کشور بود. تبریز بزرگ‌ترین شهر شمال غربی ایران و نزدیک به

مرز عثمانی آن زمان بود، کلیهٔ امور شاهسون‌های غرب کشور به مرکزیت تبریز انجام می‌پذیرفت.

ایل شاهسون در زمان شاه‌عباس بزرگ مدتی را در آذربایجان گذراندند. گروهی از ایل شاهسون در زمان شاه‌سلطان حسین در منطقهٔ شمال شرقی بغداد، منطقهٔ کرکوک ساکن شدند. آنان به هفتاد طایفه تقسیم می‌شدند که مسئولیت محافظت و مراقبت این بخش از کشور را برعهده داشتند. سرکردگان ایل بر اساس فرمان شاه برگزیده و منصوب می‌شدند. در زمان شاه‌عباس بزرگ، سمت ریاست و سرکردگی ایل شاهسون بغدادی را حاجی بیگ از بخش لك طایفهٔ کوسه‌لر برعهده داشت که به احتمال زیاد، جد بزرگ جانی بیگ^۱، یوسف، سرخاب (سیرخاو) و قاسم‌علی خان بوده است.

در دورهٔ شاه‌سلطان حسین بنا بر درخواست پدر یا برادر بزرگ‌تر جانی بیگ سرکردگی ایل به نام برادر کوچک، قاسم‌علی خان صادر می‌شود و او با سواران شاهسون مدت‌ها در اطراف تبریز به خدمت مشغول بود. در زمان حملهٔ افغان‌ها به اصفهان رئیس بزرگ ایل که از طایفهٔ کوسه‌لر و سرکردهٔ ایل بود چهارپسر داشت که به ترتیب سنی عبارت بودند از: جانی بیگ، سرخاب^۲، یوسف و قاسم‌علی خان.

۱. ایل شاهسون بغدادی شامل دو بخش اصلی به نام‌های لك و آرخلوست و کوسه‌لر از طایفه‌های بخش لك است.

۲. جانی بیگ نام ترکی است مرکب از جانی و بیگ، جانی اسم خاص و به معنی جان من، بیگ به مردان مدیر و شجاع و سخاوتمند لقب می‌دادند.

۳. نام اصلی سرخاب (سیرخاو) فتح‌علی است ولی به سیرخاو معروف بوده است.

پدرجان به جان آفرین تسلیم کرد و ایل هم چنان تابع سلسله صفوی و مرزدار میهن در اطراف بغداد بود.

در ایران مغشوش آن زمان، افغانه حمله کرده بودند، ترک‌های عثمانی نیز دندان طمع نشان می‌دادند. نیروهای دولتی درخواست افراد رزمی کردند و از ایل شاهسون بغدادی سوارانی تحت فرمان قاسمعلی خان به تبریز اعزام شدند. قاسمعلی خان با منصب فرمانده سواران شاهسون چند سالی همراه دیگر قوای دولتی جزو نیروی قشون در شمال غرب و غرب ایران به جنگ و گریز و دفاع از کشور پرداختند.

قاسمعلی خان به علت جسارت، هوش و بنیه نیرومندش، آن چنان مورد توجه حکومت وقت قرار گرفت که فرمان سرکردگی سواران ایل شاهسون و هم چنین عنوان ریاست ایل در حدود سال ۱۰۹۵ هجری شمسی (۱۱۲۹ هجری قمری) به وی واگذار شد و مأمور حفظ و حراست مرز غربی ایران و منطقه اطراف بغداد گردید. هر روز که می‌گذشت او پخته‌تر و کارآزموده‌تر می‌شد، با ایل شاهسون بغدادی بر منطقه فرمانروایی می‌کرد و خدمت می‌کرد و روزگار می‌گذراند تا ناگه، افغان‌ها را در اصفهان و احمدپاشای عثمانی را در بغداد دید، اوضاع را آشفته یافت، حیران و سرگردان که چه کنم؟! ...^۱

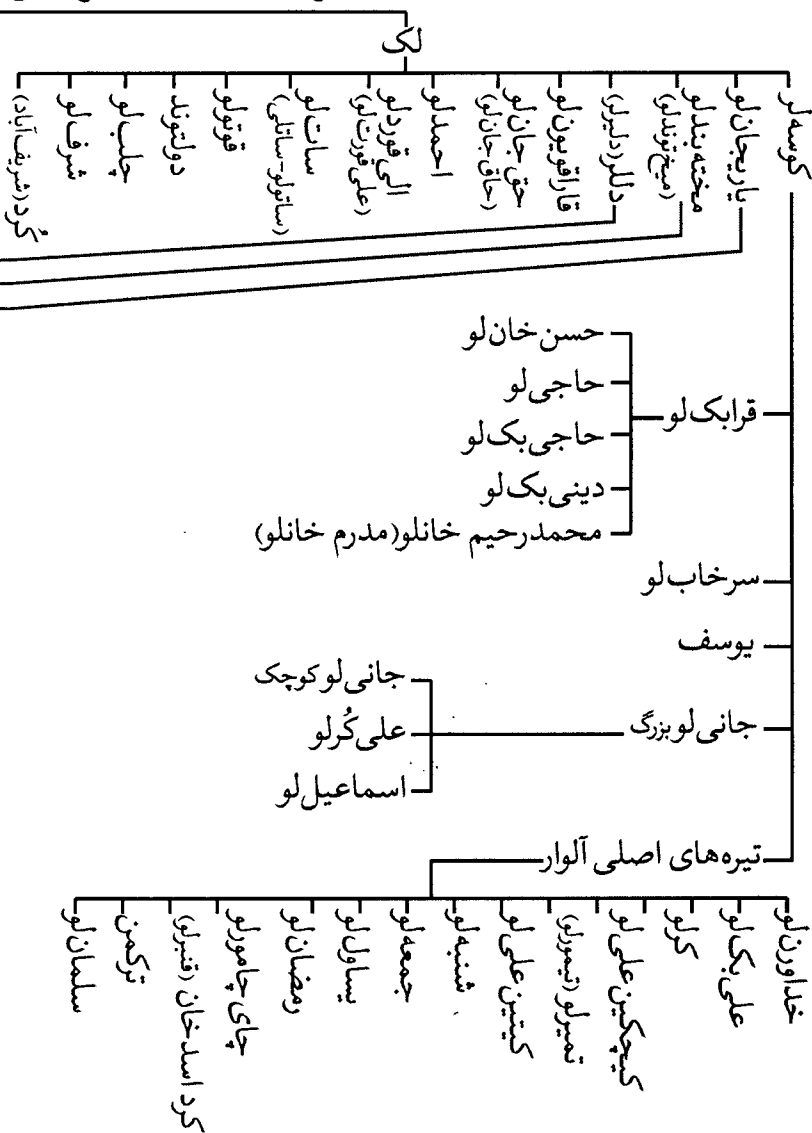
۱. تاریخ شفاهی ایل شاهسون بغدادی به روایت فتح‌السلطان، تألیف هرمز محیط، ناشر نگارینه، ۱۳۹۲، شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۰-۰۱۸-۱

سازمان اجتماعی ایل شاهسون بغدادی

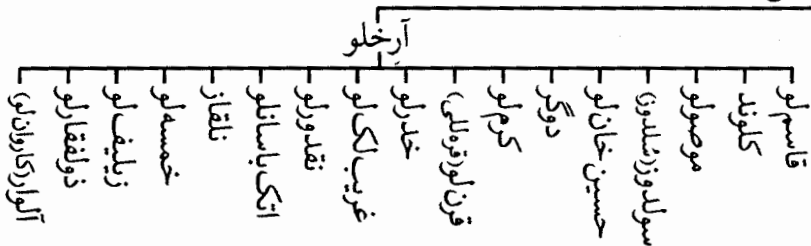
ایل جامعه‌ای با ساختاری ویژه که در حال افزایش یا کاهش جمعیت است. برای نمونه با افزوده شدن گوبک‌ها، تیره‌ها و طایفه‌ها افزوده و یا پذیرفتن از ایل‌های دیگر، گسترش و یا کنش‌هایی برعکس کاهش می‌یافت. ایل شاهسون بغدادی با ویژگی‌های یک ایل، پس از شاه‌عباس بزرگ با توجه به پاسداری و حفظ امنیت غرب ایران در محدوده کرکوک و اطراف بغداد، شمار مردمان قابل توجه‌ای داشت. بنا به گفته ایمان‌علی خان (فرزند حسن خان) زمان صفویه طایفه‌های ایل بیش از هفتاد طایفه بودند. در زمان تخته‌قاپو در نزدیکی ساوه، دشت و جنگل آوه و صالح‌آباد، جعفرآباد طایفه‌های ایل شاهسون بغدادی سی و یک طایفه در هر دو بخش لک و آرخلو بودند. برای درج کامل تیره‌های هر طایفه، دست‌کم بایستی شجره‌نامه طایفه آن را تهیه و با توجه به افزایش سطح ایل آن را استخراج و ثبت کرد.^۱

۱. تاریخ شفاهی ایل شاهسون بغدادی به روایت فتح‌السلطان، تالیف هرمز محیط ناشر

نمودار طایفه‌ها و تیره‌های



ایل شاهسون بغدادی در یک نگاه



می‌توان گفت در یک دوره زمانی حدود یک صد و پنجاه سال، هر تیره دست‌کم به دو یا سه سطح انشعابی جدید نیز تقسیم می‌شود که هر سطح، خود دو تا چند تیره را تشکیل می‌دهد. این تقسیم‌بندی همواره ادامه دارد. از سوی دیگر گسترش سطح گوبک‌ها مهم‌ترین و ماندگارترین انشعاب‌های سطح تیره‌هاست که برای استخراج آن‌ها نیاز است شجره هر تیره نوشته شود و با توجه به تعریف‌های گوبک، تیره و طایفه، آن‌ها را استخراج کرد.^۱

۱. تاریخ شفاهی ایل شاهسون بغدادی به روایت فتح‌السلطان، تالیف هرمز محیط، ناشر نگارینه، ۱۳۹۲، شابک ۱-۰۱۸-۲۳۰-۹۶۴-۹۷۸

جدول بخش‌ها، طایفه‌ها و تیره‌های ایل شاهسون بغدادی^۱

ساختار ۳۱ طایفه ایل شاهسون بغدادی از قاجار تا زمان تخته‌قاپو در سال ۱۳۱۴ خورشیدی همین طور تا سال ۱۳۴۳ خورشیدی به دست آمده که با توجه به این نکته‌ها درج گردیده است.

- ایل شاهسون بغدادی شامل دو بخش لک و آرخلو و طایفه کوسه‌لر به دو تیره اصلی؛ کوسه‌لر خاصا و کوسه‌لر آل‌وارا^۲ منشعب می‌شود. در ستون تیره‌ها، از اول تا سوم تیره‌ها که قدمت دست‌کم شش تا هفت نسل را در بر می‌گیرد وجود دارد. نخست تیره اصلی، دوم تیره انشعابی اولیه، سوم، تیره انشعابی ثانویه، پس از آن تیره نوپای که از سرگروه گوبک‌ها شکل می‌گیرد.

۱. تاریخ شفاهی ایل شاهسون بغدادی به روایت فتح‌السلطان، تالیف هرمز محیط، ناشرنگارینه، ۱۳۹۲، شابک ۱-۰۱۸-۰۰۲۳۰-۹۶۴-۹۷۸

۲. اجداد برخی از گوبک‌های تیره خداورنلو اهل روستای حکان و زاکان و گوبک عباسعلی‌لواز تیره خداورنلو اهل روستای شهیدآباد (گاویک سابق) و همین طور اجداد تیره تیمورلو (تمرلی) اهل روستای ماهنیان و هم چنین اجداد تیره کرلو اهل روستای جاورسجین همه جزو شهرستان رزن استان همدان در قسمت بیلاق ایل بوده‌اند که به بخش لک طایفه کوسه‌لر ایل شاهسون بغدادی ملحق شده‌اند.

گوبک‌های تشکیل دهنده تیره‌ها	تیره اصلی و تیره‌های انشعابی		تیره انشعابی اولیه	تیره انشعابی ثانویه	تیره‌های نوپای انشعابی
	تیره اصلی	تیره‌های انشعابی			
گوبک‌های تشکیل دهنده تیره‌ها	عباس خان لو	محمد حسین خان (۵ نسل)، مراد خان (۵ نسل)	حسن خان لو	حسن خان لو	فتح علی خان سرتیپ (۶ نسل)، امید علی خان سرکرده (۵ نسل)
	علی خان لو	علی جان بیگ (۴ نسل)، کربلایی جان محمد (۴ نسل)، اکبر (۴ نسل)			
	ولی خان لو	نصرت‌الله خان (۵ نسل)، عزیزالله خان (۵ نسل)، کربلایی محمود خان (۴ نسل)			
	ایمان علی خان لو	عباس قلی خان لو (۵ نسل و بیش از ده گوبک انشعابی ۴ نسله است)			
	عباس قلی خان لو (اسد خان لو)	علی خان لو (پرهیزی لو) پرویز خان (۴ نسل)	قربابک لو	حاجی لو	رضاقلی خان لوزغری لو / علی خان سلطان (۵ نسل)
	قاسم علی خان، نقد علی خان، اسد خان	فرج‌اله بیگ (۲ نسل)، نوروز علی بیگ (۵ نسل)، فرض‌اله بیگ (۵ نسل)، رستم بیگ، حسین علی نایب			
	علی خان لو (پرهیزی لو) پرویز خان (۴ نسل)	قربانعلی بیگ (۴ نسل)، فتح‌اله بیگ (۴ نسل)، جعفر قلی بیگ (۴ نسل)، محمد علی (۳ نسل)			
	حاجی لو	دینی بیگ لو	حاجی بک لو	حاجی بک لو	مهدی قلی خان سلطان (۵ نسل)، جبار خان (۵ نسل)، قاسم خان
	رضا قلی خان لوزغری لو / علی خان سلطان (۵ نسل)	میرزاالو (عطا خان لو) عطا خان، باباخان کربعلی خان، علی خان، ولی خان (هر کدام ۴ نسل)			
	قاسم خان	میرزاالو (عطا خان لو) عطا خان، باباخان کربعلی خان، علی خان، ولی خان (هر کدام ۴ نسل)	جاننی لوی بزرگ	جاننی لوی (کوچک)	مطیع‌الو (حسن بک‌لو) الهیار (۵ نسل)، خدابار (۴ نسل)
فرج‌اله بیگ (۲ نسل)، نوروز علی بیگ (۵ نسل)، فرض‌اله بیگ (۵ نسل)، رستم بیگ، حسین علی نایب	قاسم علی، قاسم، حسین، حسن (حسن + جعفر)				
محمد علی بیگ (۴ نسل)، کربلایی جان محمد (۴ نسل)، اکبر (۴ نسل)	قاسم علی، قاسم، حسین، حسن (حسن + جعفر)	سرخاب لو (سیرخاوی ۱)	فیزدان (شیرزن)	کریم	بکه محمد علی، محمد بیگ، سکنه‌لو، قیرمیزی بداغ، جعفر، شیرعلی، قازاقلی
نصرت‌الله خان (۵ نسل)، عزیزالله خان (۵ نسل)، کربلایی محمود خان (۴ نسل)	الله				
عباس قلی خان لو (۵ نسل و بیش از ده گوبک انشعابی ۴ نسله است)	آقاخان				
علی خان لو (پرهیزی لو) پرویز خان (۴ نسل)	شیخ روج علی قلی / الله قلی				
رضاقلی خان لوزغری لو / علی خان سلطان (۵ نسل)	خان آقا علی عباس قلی				
قاسم علی، قاسم، حسین، حسن (حسن + جعفر)	جعفر				
فرج‌اله بیگ (۲ نسل)، نوروز علی بیگ (۵ نسل)، فرض‌اله بیگ (۵ نسل)، رستم بیگ، حسین علی نایب	حسین				
قربانعلی بیگ (۴ نسل)، فتح‌اله بیگ (۴ نسل)، جعفر قلی بیگ (۴ نسل)، محمد علی (۳ نسل)	آزاد				
مهدی قلی خان سلطان (۵ نسل)، جبار خان (۵ نسل)، قاسم خان	خد امراد (سلطان) علی مراد				
میرزاالو (عطا خان لو) عطا خان، باباخان کربعلی خان، علی خان، ولی خان (هر کدام ۴ نسل)	محمد علی				
مطیع‌الو (حسن بک‌لو) الهیار (۵ نسل)، خدابار (۴ نسل)	الله یار	یوسف لو	هران لو (هارون لو)	نظر لو	ایمانعلی / ایبک علی
قاسم علی، قاسم، حسین، حسن (حسن + جعفر)	حسنعلی				
فرج‌اله بیگ (۲ نسل)، نوروز علی بیگ (۵ نسل)، فرض‌اله بیگ (۵ نسل)، رستم بیگ، حسین علی نایب	سهراب				
قربانعلی بیگ (۴ نسل)، فتح‌اله بیگ (۴ نسل)، جعفر قلی بیگ (۴ نسل)، محمد علی (۳ نسل)	گل زمان (شیرزن)				
محمد علی بیگ (۴ نسل)، کربلایی جان محمد (۴ نسل)، اکبر (۴ نسل)	حیدر	مدرم خان لو (محمد رحیم خان لو)	مدرم خان لو (محمد رحیم خان لو)	خالد لو	دانیال / علی یار
نصرت‌الله خان (۵ نسل)، عزیزالله خان (۵ نسل)، کربلایی محمود خان (۴ نسل)	حاج علی / عباس علی / بر جعلی				
عباس قلی خان لو (۵ نسل و بیش از ده گوبک انشعابی ۴ نسله است)	حاجی لو، عباس علی لو، حیله‌لو، بابداخدا، مشهدی اسماعیل				
علی خان لو (پرهیزی لو) پرویز خان (۴ نسل)	نقد علی، کرم، کلبی، هاپان، عرب لو	خان کیش خان، مصطفی قلی خان، نبی خان، رستم بیگ	خان کیش خان، مصطفی قلی خان، نبی خان، رستم بیگ	آقایار، دانیال، چراغ علی، قربان علی، امیر	
رضاقلی خان لوزغری لو / علی خان سلطان (۵ نسل)	آقایار، دانیال، چراغ علی، قربان علی، امیر				

کوسه‌لو (خاصه)
کوسه‌لو

لک
شاهسون بغدادی

تیره اصلی	تیره اصلی و تیره‌های انشعابی			تیره اصلی	طایفه	تیره ران	زیر	
	تیره‌های نوپای انشعابی	تیره انشعابی ثانویه	تیره انشعابی اولیه					
کوسه‌لر (الوان)	گوبک‌های تشکیل دهنده تیره‌ها	کتاب‌علی، بذاق‌علی، فرض‌علی، علی، محمدعلی، جاتان عرب‌علی، علی‌حسین، شاه‌حسین، غلام‌حسین، غلام‌حسن باباخان، کلب‌علی‌خان، شاه‌میرزا، اروج‌علی جانخا، مشهدی‌آق‌امراد	محمدعلی نظری، صفر	عباس‌علی‌لو (کرم‌لو) بامرلو (بامیرلی) چیل مردان‌لو قنبرعلی‌لو	خداورن‌لو			
		... خالق، صاحبی، خالصی، مرادی، ... نیکزاد، یلکامه، پازنامه، غم‌انگیز، سبکیا، ... عرب، امام‌قلی، حسنعلی	میری، سلی، ... امام‌قلی، سفیل	علی‌میرزا، الی‌اتلو، خنجالو، حسین‌علی	علی‌یک‌لو (علی‌بی‌لی) گرلو			
		اللهیارلو (بالاعلی، آقاپاز، مرتضی، محمدعلی (متمه) آق‌احسن، جان‌باغیش، کرم، کلب‌علی‌وردی قلیچ‌خان، ولی، شاه‌باز، ملامحمد (میلاممد) علی‌میرزا، عباس‌میرزا، عباس‌میرزا			کیچکین‌علی‌لو تمیرلو (تیمورلو) کیتین‌علی‌لو شنبه‌لو جمعه‌لو			
		سلطان‌علی، علی‌جعفر خد‌امراد، علی‌قلی			یساوول‌لو رمضان‌لو			
		(پناهنده از طایفه بابیجان‌لو، تیره صرف‌لاز) بایداخلور، دانیال، اوجی (پناهنده شده از ایل کرد کلهر کرمانشاه) علی‌جعفر، ولی (پذیرفته شده از اسیران ترکمن صحرا) خدانظر (پذیرفته شده از منطقه کرمان)			چای‌چامورلو کرد‌اسدخان (فتیرلو) ترکمن سلمان‌لو			
					ویس‌لو والی‌لو قیش‌لو ولی‌لو			
		علی، مراد، قنبر			فیرخ‌ایگیدلو آشورلو محمودلو			
		ذوالفقارلو			ماصیرلو (فیل‌ایزینلو) آق‌چاقویون‌لو صوفولاز (صوفی‌لر)			
		بلش‌لو (بالاش)، منصور، امیراصلان‌لو، بهرام، موسی‌لو			قاراجالو قارالاز			
		بیوک قاراجالو، کیچیک قاراجالو			ناریاغی / قاشقابولاغ			
			بایرام‌لو (بهرام‌لو)					

شاهسون بغدادی

لال

بابیجان‌لو

گوبک‌های تشکیل دهنده تیره‌ها	تیره اصلی و تیره‌های انشعابی			تیره اصلی	طایفه	تیره	ایلات
	تیره‌های نوپای انشعابی	تیره انشعابی ثانویه	تیره انشعابی اولیه				
جنگل لی، علی وردی لی، منصورلو، مرادلو، صابادلی (صیادللو)، فایادلی، حسنلو			پاراموشلو (پارمیشلی)	مخته بندلو (میخ توردلو)			
شریک علی، سوزان، بهبود، حاجی، آشیرلی، فولوسه تان لو (فولوسه تن نی)			یوسف لو (اوسوب لو)				
			بهادرلو (بهاادین نی)				
			علی جل لو (علی جه لی)				
تیره ملحق شده			اتک باسان لو	دلردیلرلو			
تدیرلو (محمدلی)، علی ناقی لی (علی نقی لو)، علی جعفرلو، یمن لو (عباس لی، ترابلو، مرادلو)			دیلنجی لو (دیلنجیلی)				
دولو خان، فارمان لو، نبی لو، سعادت لو (سادات لی)، چیراغ لی، بی لرلو، (خدایو لی لو)			آبیل لو (آبیل لی)				
شیش باسان، یدیکارلی (یادگارلو)			وینک لو				
حاجی لو، اتلی خان لو، تیلیم خان لو، مهدی قلی لو، حاجی لو، آله بالو (آل عبالی)	چای اویاسی		کیچل لو	لک	قاراقویون لو		
شوکورلو، شیخ لار، موسی خان لو	محللی						
حاجی لو، خان لو، رمضان لو، طاهرلو	ماریف لو (معاف لو)	فهردلی (فرهادلو)					
شادی خانلو، آبازلو، عطا خانلو، مرادلو، محمد میرزالو، بایرام خانلو، فرج لو			مراد خان لو				
قاراتهرلو، شیخ علی لو (شیخ علو)			ته لر (تهرلو)				
ایمان وردی لو، دولو خان لو، علی خان لو، شاه مرادلو، خدامرادلو			صفرلو	حق جان لو (حاق جان لو)			
			کمندلو				
جافارلو (جعفرلو)، گُردلر			گُرد				
			قوتورلو				
			اویچ				
			آوازلو (آوازلو)				
تیره ملحق شده			اتک باسانل				

گیوبک های تشکیل دهنده تیره ها	تیره اصلی و تیره های انشعابی			تیره اصلی	طایفه	بخش	ایل
	تیره های نوپای انشعابی	تیره انشعابی ثانویه	تیره انشعابی اولیه				
			احمدلو	احمدلو			
			خشلت				
میسلیم لی (مسلم لو)، میرادلی (مرادلو)، ناصرلو			شریف لو				
آچالو (آچالی)			توللی				
سیفی خان لو			شاشگردلو				
چیراغاگلمه			زنگانا				
علی بگ لو، چیچن لو، حاجی لو			خالدلو (خالدلی)				
			دلی قارالی				
			اسکندرلو				
			نقد علی حسن لو				
پوزجاعمران لو، عاوام، کیفیر			عمران لو				
			جبرئیل لو (جبرئیلی)				
			هاشم لو (هشیم لو)				
			مهدی لو				
حاجی مرادلو، نوری لر			بابا جانلو				
			ولی لو				
			اسماعیل لو				
نوروزلو، ایل خانی لو، رضاقلی لو، خدا مرادلو			قارا کپنک لو				
			قاسم لو (قسبیلی)				
			شش لو (ششلی)				
ئی لو، شرف لو			قلیچ خان لو				
سیف الدین لو، صفی خان لو، دیگ ورن			صفی خان لو (صاف خانو)				
			حسن لو	ساتلو (ساتلو ساتلی)			
			خشلت				
			الله کرم لو	قورتلو			
			کریم لو				
			محمد رضا لو				
			حاجی لو				
			رمضان لو (چیراغاگلمه)				

گوبک‌های تشکیل دهنده تیره‌ها	تیره اصلی و تیره‌های انشعابی			تیره اصلی	طایفه	بخش	ایل
	تیره‌های نوپای انشعابی	تیره انشعابی ثانویه	تیره انشعابی اولیه				
			کورره پای	دوازدهم			
			زیرمان لو				
			معین لو				
			نظروند				
			اسکندرلو	پنجم			
			یوغون علی				
			کیجل لو				
			بایرام لو				
			حاجی لو	ششم			
			شرف لو				
			جوهر لو				
			مراد				
			خان علی لو	هفتم (شریف آباد)			
طایفه کردها، ملحق شده از ایل‌های کرد کلهر و شاه‌جانی منطقه‌های کردستان و کرمانشاه هستند.		حیدرقلی لو	چراغعلی لو				
جعفرقلی، حیدر، کاظم خان		علی محمدلو	شاهوردی لو				
کلبی رفیع، سبزیعلی		اردعلی	بایرامعلی لو				
حبیب، حجت		سیامیا	حبیب‌اله لو				
مراد، سیارعلی، حاصل							
فرج‌اله							

توضیح زیر مربوط به صفحه اول جدول بخش سرخابلو است:

۱. نام اصلی فتحعلی بوده است.
۲. فرزند شیخ‌اروج و پسر خوانده برادرش خان آقاعلی است.

گوبک‌های تشکیل دهنده تیره‌ها	تیره اصلی و تیره‌های انشعابی			تیره اولیه	تیره ثانویه	تیره اولیه	تیره ثانویه	تیره اولیه	تیره ثانویه
	تیره‌های نوپای انشعابی	تیره انشعابی ثانویه	تیره انشعابی اولیه						
نوروزخان لو، غلامحسین لو، قدیرخان لو، مصطفی لو، نذیرخان لو		جیتم لو		جلال لو					
یولچولو، عباس لی، چیراغاگل لی، شیرعلی، پیرعلی		پشم لو							
		کرداوشانی (ایشینگلر)							
		دولوخان لو							
		حاصل لو (حاصل لی)		بوزلار (بزلر)					
		هپیش لو (میشلی)							
		ایران شاه لو (ایران شاه لی)							
		بیاق لو							
آق باش لو، لالی		امیرلو (امیر لی)		محمدلو					
طهماسب لو (طهمزلی)		دهمزلی							
		ولی لو							
		شه کرم لو							
		مثنیخان لو		زغل (زغر)					
حسین لو، بشیرلو، کرد		دورد قارینلی							
آقجا قویون لو		توراقان							
		آشورلو							
		لله لی							
		موسی لو - جیلوولو							
میتس ولی لو (مهدی ولی لو)، نیازلی، قوبادلی (قبادلو)، قدیرلو، آناخان لو، عراق لی (عراق لو)، حاجی قیطاس، حاجی آقابابا، کربلایی الله وردی				اسکندرلو					
بزچه لو				بروچی لو (بزچه لو)					
		ایلیات		(شیخ لار) شیخ لار					
اسعد نظام لو، مهدی قلی خان لو، عبدالحسین خان لو		خان لبق							
		رعیت							
		قلی لو							
		نظر علی خان لو							
		حسین علی اوشاغلارو							

کلوند

آرخلو

شاهسون بغدادی

گوبک‌های تشکیل دهنده تیره‌ها	تیره اصلی و تیره‌های انشعابی			تیره اصلی	طایفه	بخش	آیین خان‌لو
	تیره‌های نوپای انشعابی	تیره انشعابی ثانویه	تیره انشعابی اولیه				
برکت‌لی، جافارلی، آتجاجویون‌لو، مورادلی، سوهول‌لو		لاله‌کان	لاله‌کان	موصولو			
مزیدلی، علم‌لی، چیراغاگلنه		علی جنوکین‌نی					
حیدرلی، اوچی‌لی، علی ممندلی		گون	گون				
موللاحسن‌نی، عسکرلی، مورادلی		دیدارلو (دیدارلی)					
کریم عینی، حضرت عینی، عزیز عینی، عباس عینی، عزت عینی، محمد آقایی			قارادیوه‌لی	قرن‌لو (قرن‌لی)			
فوراچالی، سیف‌خان‌نی، زرگاری، محلات‌لی			سفی‌خان (رمستان‌باد)				
علی خان، میراد، سلطانی، سلطان، عینی، عینی‌پور			اوریج‌لو				
قوردبوغان، عرب‌لی، غمزه‌خان‌نی، فرهادی، مهرباب‌لو، باقیرلی، اسماعیل‌لی، میرشکاری			خدا اقلی سن‌نی (کنجه)				
حجه‌لی (حاج علی‌لو)، جنه‌لی (جان علی‌لو)			اورستاملی (رستم‌لو)				
به احتمال ملحق شده است.			غریب‌لکی				
به احتمال ملحق شده است.			خدری (خدرلی)				
مصطفی‌لو، حج اقل‌لی، شیخ‌لار			حاجی‌لو				
قاراصقرلی، قاسم‌لو			الامردش‌لو				
			عسگرلو				
ابراهیم‌لو			زینال‌لو	قاسم‌لو			
ولی‌لی، حاج فرج‌لو، حاج عابدیلای (حاج عبدالله‌لو)، جومه‌لی (جمعه‌لو)، شیرعلی			چراغ‌لو				
			خاس‌لو				
			چلب‌لو				
			سادات				
چیراغاگلنه			فنیرو				
ایمام قلی‌لو، غلام‌رضالو، عبیدی‌لی			شعبان‌لو				
			ذوالفقارلو				
			اکیرلو				
قریان قلی‌لو، غریب‌لکلو، اتک‌باشانلو			نظرآبادلو				
			حاجی‌لو	سین خان‌لو			
			شهرلو				
			موسی‌رضالو				
			صفرلو				
			ختالو				
			حسن‌لو				

شاهسون بغدادی

گویک‌های تشکیل دهنده تیره‌ها	تیره اصلی و تیره‌های انشعابی			تیره اصلی	طایفه	بجش	اقل
	تیره‌های نوپای انشعابی	تیره انشعابی ثانویه	تیره انشعابی اولیه				
جعفرلی، صادیخ‌لی، مددلی، قاراسقل‌لو، حکیم‌لی (حاج شوکورو، هوجوش‌لو)، یارممدلی، ممدلی، جشنه‌لی (علی‌قلی‌لو)			وللی (وللو)	سولدوز (شلدوز)	آرخلو	شاهسون بغدادی	
رحمانی‌نی، کریم‌لی، شفی‌لی، کریم‌لی، فیض‌اله‌لو (حاج جعفرلی)، اللهیارلی			مظفرلو				
قاراممدلی (علی‌خان‌لی)، آلاکویگ‌لی، گوی‌گجی‌لی، جوجه‌لی، دولتوند			قاراممدلی				
شایان‌نی، فرج‌لی، فرهنگلی			خیلخالولی				
ابراهیم‌لو، تیمورلو، حیدرخان‌نی، قدیرخان‌نی، جواهرخان‌نی، امان‌لو، مهدی‌لو			مهراب‌لو				
			مهدی‌لو				
			حسن‌لو				
رضاعلی‌بک‌لو			شمس‌علی‌لو				
تاری‌وردی‌بی‌لی، عین‌اله‌بی‌لی، امیدعلی‌لی، عباس‌لی، فتح‌اله‌لی، جعفرقلی‌لو، کیچیک‌خان‌نی، بیوک‌خان‌نی، خداقلی‌لو، صادیخ‌لی، محمدیازنی‌لی، محمدقلی‌لو			حاج‌حسن‌لو				
حیلنو، بورجو			علی‌بگ‌لو				
حاجی‌لو، شیرعلی، شکرلی، زینب‌لی			توختالی	دوگر			
			خومارلی				
			فانچی‌لی				
			توپوزلی				
				کرملو			
				نلقاز			
				خمشه‌لو			

طایفه‌های خدرلو، غریب‌لو، نقدورلو، زلیف‌لو، ذالفقارلو، آوارکاروان‌لو و اتک‌باسان‌لو به علت فشار اخذ مالیات‌های زیاد در ایل پراکنده شدند.

